

متن پرسش

سلام علیکم. ببخشید دوباره مزاحم اوقات استاد شدم. عرضم به محضرتان مشورتی دوباره بود. استاد. بنده بیست سال سیر کردم بی استاد و فقط با مشورت جلو بردم کار را. با اسفار جلو بردم. با فصوص بسیار خوب جلو بردم کار را. دائم با اساتید در ارتباط بودم به صورت مشورتی. همانطور که عرض کرده بودم احساس رکود در سیر می کنم. البته می دانم که احساس است. چون بعضی وقتها در این قبض و بسط حالی خوش هم دست می دهد. قبلا کمتر بود. ولی الان محجوبیت بیشتر شده. از طرفی ترس دارم. از طرفی هم آن قائده را می دانم: (با صد هزار جلوه برون آمدی تا با صد هزار جلوه تماشا کنم تو را). می دانم با جلوات دیگر می آید. اینها را متوجه هستم ولی گویا فنا و بقا بعد از فنا هم هست. خب اگر اینگونه است پس باید برای آن منزل آماده شد. از آنجایی که (صوفی ابن الوقت باشد ای رفیق \ نیست فردا گفتن از شرط طریق) به این فکر افتادم سریعاً کسب چاره کنم و به دنبال ادامه راه باشم. چون نمی خواهم این طعم شیرین را که بعضی وقتها سراغم می آید از دست دهم. آنقدر شیرین است که وقتی این حالت می رود باز هم تا چند وقت متحیرم... استاد، مرا ببخشید اینقدر راحت می نویسم و می گویم. چون علاوه بر این که شما را استاد می دانم، شما را به عنوان دوستی می دانم که بسیار راحت با او درد دل کنم. البته اگر کنارتان بودم فکر نکنم به این راحتی حرف می زدم. اینجا راحت تر حرف می زنم. استاد بنده درسته اسفار و فصوص خواندم درسته که کتب عرفانی بسیار خواندم ولی الان کمی تحیر دارم و نمی توانم تشخیص بدهم کدام منزلم. کجا هستم. بسیار تعجب آور است ولی شده دیگر. آنقدر فکرم شده آمدن حال او که تقریباً تمام نمازهایم با گریه است. چون در نماز دری باز می شود و عنایتی می شود ولی افسوس که بدن طاقت ندارد که زیاد در نماز بماند. و وقتی هم که امام جماعت می ایستم مردم طاقت ندارند. و بالاخره باید نماز را تمام کنم. اگر دست خودم بود دائم در نماز می ماندم اگر شدنی بود. استاد بسیار متحیرم. یک خواسته از شما دارم و چند سوال. ۱. از شما به عنوان شاگرد خواهشمندم اگر می شود کمی در مورد حالاتم توضیح دهید و بگویید در چه منزلی ممکن است باشم. البته اگر باشم..! (از اصطلاحات عرفانی استفاده کنید هم متوجه می شوم، شما هم وقتتان کمتر گرفته می شود). ۲. استاد بنده گمان می کنم راه دارد پیچیده تر می شود و شیرین تر. چون راه ها یک به یک بسته می شوند و یک راه می ماند آن هم خود ذات اقدسش. احساس می کنم دیگر استاد بگیرم بهتر است. به نظر شما به چه کسی رجوع کنم؟ استاد تحریری. استاد فیاض بخش. استاد صمدی. استاد یزدان پناه. استاد رضائی. کدام را می شناسید معرفی کنید ممنون می شوم. ۳. در مورد شهوداتی که رخ می دهد چه سمعی چه بصری و... از کجا می توان تشخیص داد که حقیقت

دارد یا خیر. یا کدام شهود بخاطر چیست؟ التماس دعای رفع موانع داریم. یا علی مدد

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- خود جنابعالی با توجه به کتاب «منازل السائرین» که یک مجتهد در این رابطه در آخر عمر آنرا تنظیم کرده؛ متوجه خواهید شد. مثلاً در یقظه در مرتبه‌ی مرید هستید که رجوع به حق دارد، یا در مرتبه‌ی خاصه می‌باشد که شهود نسبت به حق دارد یا در مرتبه‌ی ثالث یقظه یعنی مرتبه‌ی خاصة الخاصة می‌باشید که مقام «بقاء بعد از فنا» است. در سایر منازل نیز قضیه به همین شکل است ۲- همه‌ی عزیزان نامبرده را تا حدی می‌شناسم. به نظرم اگر در معرفت نفس کار کرده‌اید و به عنوان مثال موضوعات کتاب «خویشتن پنهان» را در حین مطالعه، تصدیق قلبی می‌کنید؛ بهتر است با نگاه آقای یزدان‌پناه جلو بروید، ولی خودتان مسئول خودتان باشید. موفق باشید